



تاریخ فرهنگ ایران (۲)

(رشته مدیریت جهانگردی)

دکتر محمد شوریج



تاریخ فرهنگ ایران (۲)

(رشته مدیریت جهانگردی)

دکتر محمد شوریج

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام(ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
مدخل و درآمد (واژگان و مفاهیم نظری کتاب)	یازده
فصل اول. نگاهی به تاریخ ایران بعد اسلام تا تشکیل دولت غزنوی	۱
اهداف کلی	۱
اهداف یادگیری	۱
۱-۱. ورود اسلام و اعراب به ایران و فتح ایران	۲
۲-۱. تأثیر متقابل اسلام و ایران بر یکدیگر	۴
۳-۱. زمینه‌های شکل‌گیری دولت‌های نیمه‌مستقل و مستقل ایرانی	۶
۴-۱. حکومت‌های مستقل ایرانی سده سوم تا پنجم هجری، ...	۹
۱-۴-۱. طاهریان	۹
۲-۴-۱. علویان طبرستان	۱۲
۳-۴-۱. صفاریان	۱۴
۴-۴-۱. سامانیان	۱۵
۵-۴-۱. آل زیار	۱۸
۶-۴-۱. آل بویه	۱۹
۵-۱. اوضاع فرهنگی و اداری ایران از سده سوم تا پنجم هجری	۲۲
۶-۱. هنر و معماری حکومت‌های مستقل ایرانی از سده سوم تا پنجم ه.ق.	۲۷
زمینه‌های تحقیق دانشجویی	۳۱
خودآزمایی چندگزینه‌ای	۳۲
خودآزمایی تشریحی	۳۳
فصل دوم. تاریخ ایران از تشکیل دولت غزنوی تا مغول	۳۵
اهداف کلی	۳۵

۳۵	اهداف یادگیری
۳۶	۱-۲. بررسی حکومت غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی
۳۶	۱-۱-۲. حکومت غزنوی
۳۸	۲-۱-۲. سلجوقیان
۴۲	۳-۱-۲. خوارزمشاه
۴۳	۲-۲. اوضاع اجتماعی، اقتصادی و اداری ایران دوران ترکان
۴۷	۳-۲. فرهنگ ایران در دوران ترکان و تأثیر آن بر حکومت‌های ترک
۵۰	۴-۲. اسماعیلیه در ایران
۵۱	۵-۲. هنر و معماری در ایران دوره ترکان
۵۷	زمینه‌های تحقیق دانشجویی
۵۷	خودآزمایی چندگزینه‌ای
۵۸	خودآزمایی تشریحی
۵۹	فصل سوم. تاریخ ایران از مغول تا تشکیل دولت صفویه
۵۹	اهداف کلی
۵۹	اهداف یادگیری
۶۰	۱-۳. نگاهی به حکومت محلی مغول و ایلخانان در ایران
۶۵	۲-۳. نگاهی به حکومت‌های محلی بعد از فترت ایلخانی و ...
۷۰	۳-۳. بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران دوره ایلخانان
۷۳	۴-۳. اوضاع فرهنگی و دینی ایران در دوره ایلخانان
۷۶	۵-۳. اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران دوره تیموری و ترکمانان
۷۹	۶-۳. اوضاع فرهنگی و دینی ایران دوره تیموریان و ترکمانان
۸۲	۷-۳. هنر و معماری ایران عهد مغول تا صفویه
۹۰	زمینه‌های تحقیق دانشجویی
۹۰	خودآزمایی چندگزینه‌ای
۹۱	خودآزمایی تشریحی
۹۳	فصل چهارم. تاریخ ایران در دوره صفویه
۹۳	اهداف کلی
۹۳	اهداف یادگیری
۹۴	۱-۴. نگاهی به حکومت صفویان در ایران
۱۰۱	۲-۴. بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران دوره صفویان
۱۰۴	۳-۴. بررسی اوضاع فرهنگی و دینی ایران عصر صفوی
۱۰۷	۴-۴. علوم، معارف و ادبیات در عصر صفوی
۱۱۰	۵-۴. هنر و معماری در عصر صفوی
۱۱۷	زمینه‌های تحقیق دانشجویی
۱۱۸	خودآزمایی چندگزینه‌ای
۱۱۹	خودآزمایی تشریحی
۱۲۱	فصل پنجم. ایران در دوره افشاریه و زندیه
۱۲۱	اهداف کلی
۱۲۱	اهداف یادگیری

۱۲۱	۱-۵. بررسی حکومت افشاریه و زندیه در ایران
۱۲۱	۱-۱-۵. حکومت افشاریه
۱۲۳	۲-۱-۵. حکومت زندیه
۱۲۵	۲-۵. بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران دوره افشاریه و زندیه
۱۲۸	۳-۵. هنر و معماری ایران عهد افشاریه و زندیه
۱۳۳	زمینه‌های تحقیق دانشجویی
۱۳۳	خودآزمایی چندگزینه‌ای
۱۳۴	خودآزمایی تشریحی
۱۳۵	فصل ششم. ایران عصر قاجار
۱۳۵	اهداف کلی
۱۳۵	اهداف یادگیری
۱۳۶	۱-۶. بررسی حکومت ایران در عصر قاجاریه
۱۳۷	۱-۱-۶. آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰-۱۲۱۱ هـ.ق)
۱۳۸	۲-۱-۶. فتح‌علی‌شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هـ.ق)
۱۳۹	۳-۱-۶. محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ هـ.ق)
۱۴۱	۴-۱-۶. ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ.ق):
۱۴۳	۵-۱-۶. مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ هـ.ق)
۱۴۵	۶-۱-۶. محمدعلی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ هـ.ق)
۱۴۶	۷-۱-۶. احمدشاه قاجار (۱۳۲۷-۱۳۴۳ هـ.ق)
۱۴۸	۲-۶. بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در عصر قاجار
۱۵۲	۳-۶. نظری بر فرهنگ ایران در عصر قاجار
۱۵۲	۱-۳-۶. تعلیم و تربیت
۱۵۳	۲-۳-۶. آشنایی با علوم جدید و اعزام محصلین به اروپا
۱۵۶	۳-۳-۶. مدارس جدید
۱۵۷	۴-۳-۶. چاپ روزنامه و احزاب سیاسی در دوره قاجار
۱۵۹	۵-۳-۶. ادبیات ایران در عصر قاجار
۱۶۱	۴-۶. اوضاع هنر و معماری ایران در عصر قاجار
۱۶۷	زمینه‌های تحقیق دانشجویی
۱۶۷	خودآزمایی چندگزینه‌ای
۱۶۸	خودآزمایی تشریحی
۱۶۹	فصل هفتم. ایران در دوره پهلوی اول (رضاشاه)
۱۶۹	اهداف کلی
۱۶۹	اهداف یادگیری
۱۷۰	۱-۷. نگاهی به حکومت ایران در عصر پهلوی اول (رضاشاه)
۱۷۳	۲-۷. بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران دوره پهلوی اول
۱۷۷	۳-۷. بررسی وضعیت و اقدامات فرهنگی ایران عصر پهلوی اول
۱۷۷	۱-۳-۷. اقدام فرهنگی پهلوی اول در زمینه ساختار قضایی، آموزشی و تربیتی
۱۷۹	۲-۳-۷. اقدام فرهنگی پهلوی اول در زمینه یکپارچگی ...
۱۸۱	۳-۳-۷. ناسیونالیسم باستان‌گرای پهلوی اول
۱۸۲	۴-۷. هنر و معماری دوره پهلوی اول

۱۸۲	۷-۴-۱. عوامل شکل‌گیری معماری و شهرسازی دوره پهلوی ایران
۱۸۴	۷-۴-۲. معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول
۱۸۷	زمینه‌های تحقیق دانشجویی
۱۸۸	خودآزمایی چندگزینه‌ای
۱۹۰	خودآزمایی تشریحی
۱۹۱	فرجام سخن
۱۹۵	فهرست منابع

پیشگفتار

درس تاریخ فرهنگ ایران ۲ به عنوان دو واحد از دروس اصلی رشته مدیریت جهانگردی، در شناسایی تاریخ فرهنگ ایران دوران اسلامی تا معاصر از اهمیت قابل توجه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه نگارش در زمینه‌ی تاریخ فرهنگ هر ملتی کار آسانی نیست، لذا بررسی تاریخ فرهنگ ایران دوره اسلامی آن هم در قالب یک کتاب درسی با محدودیت‌های زمانی و حجمی تألیف، کار بسیار سخت و نیازمند صبر، حوصله، دقت و درایت است.

نکته‌ی دیگر اینکه در قالب یک کتاب درسی نمی‌توان همه مباحث تاریخ فرهنگ ایران دوره اسلامی را به‌خوبی بیان کرد، لذا این درس و نوشتار مذکور، پیش زمینه‌ای برای شناخت این دوران طولانی و پرفراز و نشیب تاریخ ایران است و نگارنده امیدوار است، با راهنمایی همکاران علمی به این هدف دست یابد.

ایران زمین همچون دژی مستحکم، یکی از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین تمدن‌های دنیای قدیم را در خود حفظ کرده و به‌طور پیوسته در دوران بعد تکامل و تدوام یافته است. به عبارتی مشعلی که در سپیده‌دم تاریخ بر فراز فلات ایران افروخته گردیده، هرگز تا به امروز خاموش نشده است. برای روشن ساختن این واقعیت و حقیقت تاریخی باید هر چه بیشتر در منابع فرهنگ و تمدن ایران تا اعماق تاریخ تفحص کرد و با کمال صبر و بردباری و بدون هیچ‌گونه تعصب و جانبداری به مطالعه و تحقیق پرداخت.

با این نگارش کوتاه سعی شده است، اهمیت و ارزش پژوهش مذکور روشن گردد. زیرا در بحث تاریخ‌نگاری فرهنگ و تمدن هر ملتی، احتمال پیش‌داوری و تعصب است. به همین دلیل در روش پژوهش مذکور سعی شده است، گذشته از توجه به منابع و مآخذ گذشته، با کمک قوه استنباط و به شکل ساده و با حوصله و دقت، صدق و کذب حوادث را بررسی و آنچه را واقعیت تاریخی نام دارد، از بین آن‌ها بدست آورد.

در این پژوهش به چندین مباحث کلی پرداخته می‌شود که در واقع چارچوب و مبانی نظری و محورهای اصلی پژوهش را شامل می‌شود، این مباحث عبارتند از:

۱. بررسی و تحلیل تاریخ سیاسی ایران از ورود اسلام به ایران تا پایان دوره پهلوی اول.
۲. بررسی و تحلیل تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران از ورود اسلام به ایران تا پایان دوره پهلوی اول.

۳. بررسی و تبیین تاریخ فرهنگی و مذهبی ایران از ورود اسلام به ایران تا پایان دوره پهلوی اول.

۴. بررسی و تبیین تاریخ هنر و معماری ایران از ورود اسلام به ایران تا پایان دوره پهلوی اول.

با توجه به موضوع اصلی کتاب یعنی تاریخ فرهنگ ایران از دوران ورود اسلام به ایران تا پایان دوره پهلوی اول، مباحث آن به هفت فصل تقسیم می‌گردد که در فهرست مطالب ذکر گردیده است.

در پایان از شورای تدوین و اساتید گروه تاریخ که با تقاضای بنده جهت تألیف کتاب موافقت نمودند، کمال تشکر را داشته و بر خود لازم می‌دانم از زحمات ارزیا، داور و ویراستار محترم، کارشناسان ارجمند دفتر تدوین، مدیریت محترم انتشارات و همکاران گرامی تقدیر و سپاسگزاری نمایم.

دکتر محمد شورمیج
عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور
استادیار گروه تاریخ
m.shoormeij9@Pnu.ac.ir
mshoormeij9@Yahoo.com
mshoormeij9@gmail.com

مدخل و درآمد (واژگان و مفاهیم نظری کتاب)

۱- تاریخ. تاریخ در فرهنگ لغت، به معنی ثبت کردن، نگاشتن حوادث گذشته، حال و غایت و پایان هر چیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۱، ج ۹: ۱۳۸). درباره منشأ تاریخ، روزنتال احتمال می‌دهد که این کلمه مأخوذ از «آرخو» اکدی یا «یرخ» عبری به معنای ماه قمر یا ماه شهر باشد. روزنتال همچنین آورده است که واژه «ارخ» در کتیبه‌ای از عربی جنوبی به معنای نزدیک به داوری یا حکم و در جای دیگر مقرون به سال به کار رفته است (روزنتال، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۳-۲۴). در هر صورت درباره ریشه کلمه تاریخ بین محققان اختلاف وجود دارد و بیشتر آن‌ها معتقدند که تاریخ از ماده کلمه آرَخ، یورَخ در زبان سامی باستان مانند اکدی، بابلی، آشوری گرفته شده است (آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۷).

حمزه اصفهانی مورخ مشهور معتقد است، این کلمه را (ارخ) اعراب از ایرانیان گرفته‌اند. زیرا گاه‌شماری خود را ماه روز می‌نامیدند و اعراب آن را به صورت مورخ و مصدر آن را تاریخ به کار برده‌اند (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴).
لفظ تاریخ در زبان یونانی^۱، لاتین^۲، انگلیسی^۳ به معنای بحث، تحقیق و جستجو آمده است (کامران مقدم، ۱۳۵۸: ۶ و صص ۱-۶). اما باید توجه کرد تاریخ نوعی علاقه به گذشته بشر است و همه انسان‌ها به آن علاقمند هستند، پس همه‌ی انسان‌ها به تاریخ نیازمندند (استنفورد، ۱۳۸۲: ۳۳۷).

1. Istoria
2. Historia
3. History

۲- ایران. ایران در زبان اوستایی به صورت «اَئیریه»^۱، در فارسی باستان «اریه»^۲ و در سانسکریت «آریه» آمده است، که نام قوم و هم به معنای شریف، نجیب، نژاده و اصیل می باشد. واژه اوستایی «اَئیریه» در زبان پارسی^۳ و در پهلوی ساسانی^۴، تبدیل به ایران شده است (فروه‌وشی، ۱۳۶۸: ۱۱).

در هر صورت «اَئیریه» شاخه‌ای از آریایی‌های هندواروپایی بودند که شاخه ایرانی آن «اَئیریه» نامیده می شد و نام سرزمینی که در آن سکونت نمودند را، ایران نامیدند (پیرنیا، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۷-۱۵۹).

۳- تمدن. تمدن از ریشه مُدُن و مَدینه به معنای شهر و شهرنشینی گرفته شده است. تمدن به معنای کلی عبارت از مجموعه‌ی ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی است (شریعتی، ۱۳۷۱: ۱۳۷). تمدن به عبارتی ثمره تلاش بشر برای بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی انسان از ابتدای خلقت تاکنون است و فراگیرتر از فرهنگ می باشد (مکی، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۳).

۴- فرهنگ. فرهنگ به مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضا یک جامعه اطلاق می شود (کوئن، ۱۳۷۲: ۵۹). به عبارتی به شیوه زیستی گفته می شود که جامعه برای رفع احتیاجات اساسی خود از حیث بقاء ادامه نسل و انتظام امور اجتماعی اختیار می کند (روسک و وارون، ۱۳۶۹: ۹-۱۰) و غالباً به دو جزء مادی مانند اشیاء مادی و غیرمادی مانند اعتقادات، رسوم، اندیشه‌ها و ساخت اجتماعی تقسیم می شود. در نتیجه فرهنگ بیانگر شیوه زندگانی یک ملت معین و محیط فکری، فلسفه و جهان بینی آن ملت است (مکی، همان: ۲۳).

تمایز اصلی فرهنگ و تمدن در این است که تمدن نتیجه تلاش انسان از ابتدای خلقت تاکنون است و از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در بر می گیرد که فرهنگ در داخل آن قرار دارد (ولایتی، ۱۳۸۹: ۲۰) در حالی که فرهنگ بیانگر شیوه زندگانی یک ملت یا قبیله یا قوم خاصی است. با وجود ارتباط این دو با هم، آن‌ها لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. زیرا جامعه غیرمتمدن می تواند از فرهنگ ابتدائی (باور، آداب و رسوم) برخوردار باشد ولی عکس آن ممکن نیست.

1. airya
2. ariya
3. aryan
4. Eran

- ۵- حکومت‌های متقارن. به حکومت‌های هم‌عصر ایران در قرن سوم و چهارم هجری مانند طاهریان، صفاریان، سامانیان و علویان اطلاق می‌گردد.
- ۶- دوران ترکان. به دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان در ایران، دوران حاکمیت ترکان گفته می‌شود.
- ۷- نکته قابل توجه در متن، کلمات اختصاری متن است که برای جلوگیری از اطاله کلام آمده است و معادل مفهوم زیر است:
- | | | | | | | | |
|-------|-----------|----|------|----|--------|------|-----------|
| هـ.ق: | هجری قمری | ش: | شمسی | م: | میلادی | ح.ک: | سال حکومت |
| ر.ک: | رجوع کنید | | | | | | |

فصل اول

نگاهی به تاریخ ایران بعد اسلام تا تشکیل دولت غزنوی

اهداف کلی

در این فصل دانشجویان با موضوعات زیر آشنا می‌شوند:

۱. نحوه ورود اعراب به ایران و تأثیر متقابل اسلام بر فرهنگ ایران و ایران بر اسلام
۲. چگونگی شکل‌گیری دولت‌های مستقل ایرانی و ساختار سیاسی و حکومتی آنها
۳. ساختار اداری و اقتصادی ایران در دوران حکومت‌های مستقل ایرانی از سده سوم تا پنجم هجری
۴. اوضاع فرهنگی ایران در دوران حکومت‌های مستقل ایرانی از سده سوم تا پنجم هجری
۵. هنر و معماری ایران از سده سوم تا پنجم هجری

اهداف یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. تأثیر متقابل فرهنگی اسلام بر ایران و ایران بر اسلام را تشریح نماید.
۲. اقدامات طاهربن حسین و عبدالله طاهری در زمینه اقتصادی و فرهنگی را توضیح و ارزیابی نماید.

۲ تاریخ فرهنگ ایران (۲)

۳. دستگاه دیوان‌سالاری عصر سامانی را تشریح و چند نفر از وزرای بزرگ آن‌ها را نام ببرد.

۴. اقدامات سیاسی و فرهنگی علویان در طبرستان را به اختصار تشریح نماید.

۵. اوضاع فرهنگی ایران در سده سوم تا پنجم هجری را ارزیابی و تفسیر نماید.

۶. هنر و معماری عصر سامانی را توضیح و تأثیر آن را بر هنرهای دوره‌های بعد ارزیابی نماید.

۷. وضعیت شهر و شهرنشینی در ایران از سده سوم تا پنجم هجری را توضیح دهد.

۱-۱. ورود اسلام و اعراب به ایران و فتح ایران

توجه اعراب به مرزهای ایران، به دلایل اقتصادی و سیاسی به پیش از ظهور اسلام می‌رسد. لشکرکشی شاپور اول و دوم برای گوشمالی اعراب، در واکنش به ناامنی آن‌ها در مرزها بود. سیاست‌های نادرست خسرو پرویز در نابودی حکومت حیره و شکست وی از هراکلیوس امپراتور روم، ترس اعراب از حکومت ساسانیان را از بین برد، به‌طوری‌که در مدت کمی پس از شکست ساسانیان از روم، اعراب در منطقه «ذوقار» ضربه سختی بر سپاه ساسانی وارد کردند و همین واقعه پیش‌درآمدی بر پیروزی مسلمین در ایران تلقی شد (مفتخری و زمانی، ۱۳۸۱: ۲۴؛ نلدرکه، ۱۳۵۸: ۴۹۱).

اولین تماس مسلمین با پایگاه نظامی ساسانیان در بحرین رخ داد (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۴: ۲۲۲؛ ابن‌اعثم، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۷۴) اما حملات پراکنده اعراب به متصرفات اصلی دولت ساسانی و حکام محلی نواحی مرزی در زمان ابوبکر خلیفه اول آغاز شد، تا اذهان را به خارج از جزیره‌العرب سوق دهد و بر وحدت داخلی قلمرو خلافت بیفزاید. قبایل عرب مجاور مرزهای ایران به رهبری مثنی‌بن حارثه و سوید بن قطبه به مسلمانان کمک کردند و با اوضاع نابسامان دولت ساسانی بیشتر آشنا شدند (بلاذری، ۱۹۷۸: ۲۴۲). فرمانده فتوحات مسلمانان در جبهه ایران، خالدبن ولید بود که پس از سرکوب شورش اهل رده، برای این مأموریت انتخاب شد و در نهایت حیره را فتح کرد (مفتخری و زمانی، همان: ۲۴-۲۵). با اعزام خالد به جبهه شام و فوت خلیفه اول، کار فتوحات متوقف شد.

نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام تا تشکیل دولت غزنوی ۳

با انتخاب عمر به عنوان خلیفه دوم، کار فتوحات دوباره از سر گرفته شد. خلیفه دوم، ابوعبیده ثقفی را در رأس سپاهی هزار نفره، راهی مرزهای ایران کرد، به این ترتیب نخستین رویارویی منظم سپاه ایران با اعراب مسلمان به فرماندهی بهمن جادویه در سال ۱۳ هـ. ق رخ داد. جادویه در نبردی که به جسر (پل) معروف شد، شکست سختی بر اعراب وارد کرد و فرمانده آن‌ها ابوعبیده کشته شد (بلاذری، همان، ۲۵۲). اختلافات داخلی و ضعف حکومت ساسانی مانع از آن شد که از فرصت به دست آمده استفاده کنند. لذا عمر، خلیفه دوم، پس از یک سال دوباره اعراب مسلمان را به نبرد با ایرانیان تشویق کرد و در جنگی که در اواخر سال ۱۳ و اوایل ۱۴ هـ. ق در محلی به نام نُخَیله و در کنار نهری، به نام بُویب روی داد، سپاه ایران را شکست داد (بلاذری، همان: ۲۵۳؛ طبری، ۱۹۸۷؛ ج ۲: ۲۳۰).

اعراب مسلمان پس از این جنگ، قوت گرفتند و یک سال و اندی بعد، در سال ۱۵ یا ۱۶ هـ. ق در جنگ قادسیه به فرماندهی سعد بن ابی وقاص، به پیروزی بزرگی دست یافتند. ضعف روحیه جنگندگی و مقاومت سپاه ساسانی و کشته شدن رستم فرخزاد فرمانده سپاه ایران در صبح روز قادسیه، از عوامل اصلی شکست ساسانیان بود (طبری، همان، ج ۲: ۲۸۲). با این پیروزی، اعراب مسلمان سرزمین‌های عراق را به راحتی تصرف کردند و در سال شانزده هجری مدائن و تیسفون مرکز ساسانیان را به تصرف خود درآوردند. در همین سال، اعراب مسلمان دوباره در نبرد جَلولاء پیروز شدند و بر سراسر سواد و بین‌النهرین سلطه یافتند.

آخرین نبرد منظم میان سپاه ساسانی و اعراب، در نهاوند در سال ۲۱ هـ. ق رخ داد که در نهایت به سود اعراب خاتمه یافت و فتح‌الفتوح نامیده شد؛ زیرا راه برای فتوحات داخلی ایران هموار گشت (مفتخری، همان، ۲۶-۲۷). با فرار یزدگرد سوم و سقوط حکومت ساسانی، اعراب، شهر به شهر، به سمت شرق ایران آمدند و دهقانان و مرزبانان نیز گاه صلح و گاه شورش می‌کردند.

فتوحات اولیه مسلمین در داخل ایران به دو صورت، فتح با جنگ یا فتح با صلح بود. مثلاً فتح مناطق سواد، بین‌النهرین، خوزستان و فارس در جنگ بود چون دولت ساسانی از موجودیت خود دفاع می‌کرد. اما هر چه داخل فلات ایران می‌شدند، تمایل به صلح بیش‌تر بود مانند خراسان؛ چون دیگر امیدی به بقای نظام ساسانی نبوده و

حکام محلی و دهقانان با اطلاع از موقعیت جدید، در پی تثبیت وضعیت خود بودند. از سوی دیگر پیام عدالت خواهانه اسلام و برخورد طبقات مختلف جامعه ایرانی با مسلمانان، در گرایش به صلح مؤثر بوده است.

در زمان عثمان، خلیفه سوم، تقریباً فتح نهایی ایران غیر از طبرستان کامل شد و اعراب تا انتهای مرزهای قلمرو ساسانی یعنی مرو پیش رفتند.

انگیزه اصلی فتوحات مسلمین را می توان در زمینه های اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جستجو کرد. روح کلی حاکم بر فتوحات، حداقل در ابتدا و همچنین در دوره خلفای نخستین، بیشتر دینی بود. اگر چه به نظر نگارنده مسائلی چون قحطی و عدم امکانات اقتصادی سرزمین جزیره العرب، گرسنگی و فقر اعراب و رهایی از تفرقه داخلی و رسیدن به وحدت برای توجه اذهان عموم به مسأله ای خارجی، در این حملات دخالت داشته است، اما علت واقعی و محرک اصلی قبل از هر چیز، به قول اشپولر، دین و اعتقادات آن ها بوده است (اشپولر، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷).

۲-۱. تأثیر متقابل اسلام و ایران بر یکدیگر

ورود اسلام به ایران و سقوط دولت ساسانی و برخورد اعراب با ایرانیان، تأثیرات متقابلی بر افکار و فرهنگ یکدیگر گذاشته اند. اولین چیزی که اسلام برای ایران به ارمغان آورد، وحدت عقیده و حذف تشتت افکار و عقاید مذهبی بود. با آن که حکومت و سیطره سیاسی عرب پس از دو قرن از ایران رخت بر بست، اما به حکم جاذبه معنوی دین اسلام، وحدت عقیدتی حاصل شد (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۵۶). دین زرتشت که ظهور آن پیشرفت بزرگی در فرهنگ و تمدن جهان آن روز بود و انسان را پیوسته به نبرد با بدی ها برمی انگیزخت و جهان را میدان پهناوری برای کار و کوشش نشان می داد، از اواخر دوره ساسانی با خرافات و افسانه ها آمیخته شد و منحط گردید (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۲۱۴ و ۵۷۱). لذا وحدت فکر و کلمه ای که در بین پیروان دین زرتشت وجود داشت، رفته رفته جای خود را به اختلاف و نفاق داد. با ورود اسلام و پذیرش تدریجی آن توسط ایرانیان، وحدت عقیده و دین در قلمرو ایران برقرار گردید (محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۲۱۳-۲۱۶).

نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام تا تشکیل دولت غزنوی ۵

وجود اشتراکاتی بین دین اسلام و زرتشت مانند خوبی و بدی، خیر و شر، روز رستاخیز، معاد جسمانی، بهشت، برزخ، دوزخ، ذکر شهداتین و موارد دیگر، باعث نزدیکی بیشتر ایرانیان با دینی شد که با بسیاری از مفاهیم آن آشنایی داشتند (ثلاثی، ۱۳۷۹: ۳۷۴-۳۸۱). از نکات مهم، ورود برخی افکار و عقاید ایرانی از راه زرتشت و مذهب زروانی^۱ به اسلام بود (محمدی ملایری، همان: ۲۱۶).

بنابراین باز شدن دروازه‌های ایران از سوی اعراب مسلمان، سبب شد که علاوه بر ورود فرهنگ و علوم اسلامی، راه برای ورود فرهنگ‌های یونانی، هندی، مصری و غیره به ایران بیشتر از دوره ساسانی باز شود و زمینه شکفتن استعدادهایی نظیر ابوعلی سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، خیام، خواجه نصیر طوسی، ملاصدرا و صدها عالم طبیعی، ریاضی، پزشک، ادیب، فیلسوف، عارف و مورخ فراهم گردد.

خدمت دیگر اسلام به ایران، برداشتن مانع تحصیلی و طبقاتی از سر راه توده مردم ایران بود که نظام طبقاتی و موبدی ساسانی به وجود آورده بود. برداشتن این مانع، سبب شد که ایرانیان مقام شایسته خود را احراز کنند و حتی به پیشوایی سایر ملل نیز برسند. در نتیجه ایرانی به وسیله اسلام خود را بازیافت و جهان بینی خود را دگرگون ساخت، سپس آن را به جهانیان شناسانید (مطهری، همان: ۳۶۴-۳۶۸).

در مقابل خدمات اسلام به ایران، ایرانیان نیز خدماتی به اسلام داشتند؛ در هنگام برخورد اعراب مسلمان با تمدن و فرهنگ ایرانی، آن‌ها در حوزه فرهنگی‌ای پا گذاشتند که از جهت فنی و نظری به سطوح بالایی از پیچیدگی و تحول مدنی دست یافته بود. در حوزه فرهنگی ایران، اقتصاد کشاورزی، پیشه‌وری، بازرگانی و زندگی شهری در ابعاد وسیع و عمیقی استقرار یافته بود، در حالی که اعراب مسلمان زندگی در چنین سطحی را تجربه نکرده بودند. لذا به ناچار، عرصه‌های مدیریت اداری، فنی و اقتصادی خود را به ایرانی‌ها واگذار کردند (ثلاثی، همان: ۲۵۶-۲۵۷).

عهد انوشیروان را باید عصر نهضت فرهنگی ایران شمرد، در این دوره ایرانیان، گذشته از آثار علمی و فرهنگی خود برای دانش و معلوماتی که در هند و یونان رواج داشت نیز اهمیت بسیاری قائل می‌شدند. و در ترجمه آثار آنان کوشش شایسته‌ای به

۱. زروان خدای قدیم واحد زمان است. زمان را در زبان پهلوی، زروان می‌گفته‌اند و خدای واحد همه جهان بود و او را با قضا و قدر یکی می‌دانسته‌اند (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۲۱۸-۳۱۹؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۲۱۶). قضا و قدر از راه زروان و زرتشت وارد اسلام شد (محمدی: همان‌جا).

کار برده‌اند. دانشمندان ایرانی، کار خود را در نشر علم و ادب دنبال کردند و با سقوط حکومت ساسانی و بعد از اتمام دوره فتوحات اسلامی و استقرار آرامش، در خدمت دولت اسلامی درآمدند. زیرا اداره حکومت اسلامی نیازمند تجربه و علم حکومت‌داری بود که ایرانیان از آن برخوردار بودند. در نتیجه خردمندان ایرانی از این فرصت استفاده کردند و به نشر دانش و فرهنگ همت گماشتند و زمینه را برای نهضت علمی و فرهنگی اسلام آماده ساختند (محمدی ملایری، همان: ۳۱-۳۳). فرهنگ اسلامی که در زمینه‌ی علوم فلسفی و حکمت نظری بیش از همه تحت تأثیر یونانی‌ها بود، در ادبیات عرب و زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تحت تأثیر اندیشه و فرهنگ ایرانی قرار داشت. شالوده سازمان اداری خلافت اسلامی به دست وزیران و دبیران ایرانی ریخته شد و زندگی اجتماعی مسلمانان و دربار خلافت به‌ویژه در دوره عباسی، رنگ ایرانی به خود گرفته بود (همان: ۱۳۶). در نتیجه، اندیشمندان ایرانی در توسعه دانش و تکامل فرهنگ و تمدن اسلامی تلاش فراوانی انجام دادند.

۱-۳. زمینه‌های شکل‌گیری دولت‌های نیمه‌مستقل و مستقل ایرانی

در سیر حاکمیت اعراب در ایران قرن اول هجری، با دو دوره متفاوت مواجه هستیم. در دوره خلفای راشدین، فشار مالیاتی، جزیه و خراج تقریباً همانند دوره ساسانی و خیلی کمترشکن نبوده است. اما با روی کار آمدن امویان تغییرات بارزی در روابط اعراب با ایرانیان مشاهده شد. خلافت اموی در ماهیت با حکومت خلفای راشدین فرق داشته و مبتنی بر اشرافیت قبیله‌ای بود (مفتخری، ۱۳۷۹: ۶۵). بنی‌امیه بیشتر بر قبایل عرب تکیه داشته و مسلمین غیرعرب از جمله ایرانیان را موالی می‌خواندند و به چشم تحقیر در آنان می‌نگریستند (ممتحن، ۱۳۶۸: ۱۴۵).

تقریباً هیچ‌یک از خلفای بنی‌امیه به جز عمر بن عبدالعزیز، علاقه چندانی به دیانت نشان نمی‌دادند و نارضایتی از حکومت اموی نه‌تنها در میان ایرانیان و اقوام غیرعرب بلکه در خود اعراب نیز دیده می‌شد. دشمنی دیرینه بین عراقی‌ها و شامی‌ها و اینکه نفوذ سیاسی از عراق به شام رفته بود، در برپایی این نارضایتی‌ها مؤثر بوده است (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۳۵۳؛ شعبانی، ۱۳۸۰: ۳۴۹).

نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام تا تشکیل دولت غزنوی ۷

در نتیجه‌ی رفتار متعصبانه‌ی اعراب در مورد غیرعرب، از جمله ایرانی‌ها و از سوی دیگر روحیه مساوات‌طلبی ایرانی‌ها، باعث سه دسته قیام علیه سلطه عربی اموی در طول قرن اول هجری تا پایان حکومت بنی‌امیه شد. محرک و برپادارنده یک دسته از این قیام‌ها ایرانیان بودند که بعد از فتح شهرهای ایران عصیان و شورش کردند مانند قیام بومیان ایرانی در بادغیس هرات در سال ۵۱ هـ.ق، قیام حکام زمین‌دار ایرانی به رهبری نیزک‌طرخان در سال ۸۶ هـ.ق یا قیام سرداران و خاندان معروف مانند قارن در سال ۳۲ هـ.ق (مفتخری، ۱۳۷۹: ۷۰).

دسته دوم قیام‌هایی هستند که ایرانیان در آن شرکت و همکاری داشتند و به چند نوع تقسیم می‌شوند: قیام‌های علوی که موالی از جمله ایرانیان در آن حضور داشتند مانند قیام مختار، قیام زیدبن‌علی، یحیی‌بن‌زید و قیام عبدالله بن معاویه علوی. نوع دیگر، قیام‌های اشرافیت قبیله‌ای ناشی از تضادهای داخل حاکمیت عرب در فلات ایران که ایرانیان در آن شرکت داشتند مانند قیام عبدالرحمن بن اشعث. نوع دیگر، قیام‌های عدالت‌خواهانه بود که ایرانیان حضور داشتند مانند قیام ابوالصیدا و حارث‌بن‌سریج در خراسان و ماوراءالنهر. نوع دیگر، قیام عباسیان به رهبری ابومسلم در خراسان که ایرانیان مجری اصلی آن بودند (همان جا).

دسته سوم، نهضت ادبی و اجتماعی شعوبیه است که معتقد به فضیلت عرب بر سایر اقوام نبودند و حتی در شرایط خاص، دشمن عرب بودند و اعراب را پست‌تر می‌دانستند. در عهد اول عباسی یعنی از سفاح تا پایان معتصم طرفداران مسلک شعوبیه اکثراً ایرانی بودند (ممتحن، ۱۳۶۸: ۱۹۴ و ۱۹۹ و ۲۰۰).

به‌طورکلی انتظار می‌رفت با آمدن اسلام، فضای طبقاتی حاکم بر عصر ساسانی با نویدهای اسلام درباره‌ی برادری، برابری، مساوات و عدالت اجتماعی، شکسته شود و رسم نوینی جایگزین آن گردد اما در عمل این اتفاق نیفتاد و ستم‌های طبقاتی و فشارهای اجتماعی به نحو دیگری در دوره اموی و عباسی بازگشت.

گروه‌های وسیعی از مردم تحت عنوان موالی و اهل ذمه^۱ و گروه‌هایی به‌عنوان برده و بنده در زیردست قرار گرفتند. بجای تسلط شاهزادگان، موبدان، بزرگان و

۱. ذمه در لغت عرب به معنای امان و پیمان و ضمانت است. ذمی‌ها مردم نامسلمانی هستند که در ممالک اسلامی وطن کرده‌اند و به موجب عهد و پیمان، جان و مال و ناموس آنان در پناه اسلام درآمده و در مقابل مبلغی بصورت جزیه به حکمرانان مسلمان می‌پردازند. اینان بطور عمده زرتشتی، یهود، و مسیحی هستند (شعبانی، ۱۳۸۰: ۳۶۴).

نظامیان، نهاد خلافت و وابستگان آن‌ها و سپاهیان و فرماندهان و مرزبانان عرب و نیز زمین‌داران عرب در کنار ملاکان و دهقانان ایرانی که با صلح یا قبول اسلام موقعیت خویش را حفظ کرده بودند، بر جامعه مسلط شدند. بنابراین جامعه ایران بعد از اسلام، در زمینه‌های اجتماعی توأم با کشمکش‌ها و نارضایتی‌های فراوان بود که به‌صورت مبارزات و درگیری‌های دائمی طبقات مختلف اجتماعی، نمود یافته است (شعبانی، ۱۳۸۰: ۳۵۳). نتایج چنین روندی، برتری فاتحان جدید عرب، مرزبانان قدیم و جدید، دهقانان، ملاکان عرب و ایرانی بر سایر طبقات اجتماعی ایران و همدستی آن‌ها برای حفظ منافع و مصالح یکدیگر بود.

تمام این‌ها سبب گردید که نارضایتی‌های قشرهای اجتماعی ایران همانند اهل ذمه، موالی و ایرانیان طرفدار شیعه علوی، در اثر جو ستم و نابرابری حکومتی در ایران اوج بگیرد که در بلند مدت تبدیل به قیام‌های علیه حکام اموی و عباسی و استقلال ایرانی گردید.

از سوی دیگر، دوره خلافت هارون عباسی (۱۷۰-۱۹۳ هـ.ق) که عصر طلایی و اوج قدرت و شکوفایی آن‌ها بود، سرآغاز تجزیه آنان نیز محسوب می‌گردید. به دلیل اسراف و تبذیر بی‌اندازه دربار عباسی و صرف بودجه کلان در سرکوب شورش‌ها، هزینه دولت افزایش یافت. آن‌ها برای جبران کسری هزینه‌ها، استان‌های ایران به‌ویژه خراسان و سیستان را به غمّالی که بیشترین درآمد را به دربار می‌دادند، واگذار کردند. بنابراین طی سال‌های ۱۸۰-۱۹۰ هـ.ق، حکومت علی بن عیسی بن ماهان بر خراسان و سیستان، یادآور ظلم و ستم بر مردم بود (طبری، ۱۹۸۷، ج ۴: ۴۸۳). حاصل عملکرد علی بن عیسی، ظهور شورش‌های متعدد در سیستان و خراسان و نابسامانی این مناطق بود که به عزل او در سال ۱۹۱ هـ.ق منجر شد.

هارون قصد سرکوبی شورش خوارج به رهبری حمزه آذرک و شورش رافع بن لیث را داشت که در سال ۱۹۳ هـ.ق در مسیر راه بر اثر بیماری درگذشت. با مرگ هارون و درگیری فرزندان او امین و مأمون بر سر جانشینی، اوضاع در شرق ایران، آشفته‌تر شد. در واقع خلافت عباسی به‌خاطر گسترش بیش از اندازه امپراتوری و مسائل خاص هر منطقه، دیگر قادر به اداره امور امپراتوری به شیوه سابق نبود.

نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام تا تشکیل دولت غزنوی ۹

از سوی دیگر، ناتوانی حکومت مرکزی بغداد در تسلط فراگیر بر بخش‌های مختلف امپراتوری به‌خصوص شرق و احتیاج دربار و دیوان عباسی به کسب ثروت و اداره درست این سرزمین‌ها توسط دیوانیان ایرانی، زمینه مساعدی برای طبقات عالیه ایران به‌خصوص دهقانان و خاندان‌های قدیمی برای ایجاد حکومت‌های نیمه‌مستقل در نقاط مختلف ایران از جمله خراسان را فراهم آورد.

به عبارت دیگر در این دوره از نظام عباسی در خراسان هیچ جریانی به اندازه طاهریان قادر به تنظیم امور خراسان نبود. زیرا آنان از حکام بومی و محلی منطقه بودند و بهتر از هر نیرویی می‌توانستند در اداره این سرزمین پهن‌آور موفق باشند (مفتخری و زمانی، ۱۳۸۱: ۲-۱۲۱). در نتیجه سلسله‌های ایرانی که در قرن سوم و چهارم به قدرت رسیدند عبارتند از طاهریان ۲۰۶-۳۹۰ هـ. ق؛ علویان طبرستان ۲۵۰-۳۱۶ هـ. ق؛ صفاریان ۲۴۷-۲۸۸ هـ. ق؛ آل زیار ۳۱۶-۴۳۴ هـ. ق؛ سامانیان ۲۰۴-۳۹۰ هـ. ق؛ آل‌بویه ۳۲۴-۴۴۷ هـ. ق.

۴-۱. حکومت‌های مستقل ایرانی سده سوم تا پنجم هجری، طاهریان، علویان، صفاریان، سامانیان، آل‌زیار، آل‌بویه

۱-۴-۱. طاهریان

طاهریان از زمره خاندان ایرانی محسوب می‌شوند که از همان آغاز مسلمانی در دستگاه لشکری و کشوری خراسان صاحب منصب بودند. طاهر بن حسین (۲۰۵-۲۰۷ هـ. ق) اولین فرمانروا از این سلسله است. جد طاهر، زریق، به روایتی در اوایل عهد عباسی از موالی طلحه خُزاعی امیر سیستان بود. مصعب پدر بزرگ طاهر در زمان خلافت مهدی در پوشنگ هرات، صاحب قدرت و مکتبی بوده است و با دُعات عباسی همکاری داشته است. پدر طاهر، حسین بن مصعب در زمان هارون حاکم منطقه پوشنگ در هرات بود (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۹۰-۹۱؛ زرین کوب، ۱۳۶۷: ۹۸).

شهرت و نام‌آوری طاهر بن حسین زمانی شروع شد که در جنگ بین مأمون و امین عباسی، سپهسالار مأمون برای مقابله با امین بود. بعد از فتح بغداد، از طرف مأمون به حکومت آن شهر منصوب گردید. او مسئول نظم عمومی بغداد و جمع خراج سواد عراق شد. مأموریت بعدی و جدید طاهر مقابله با شورش نصر بن شیبث در رقه بود. لذا

در سال ۱۹۹ هـ ق عازم رقه بر کرانه فرات شد و اختیارات موصل، جزیره، شام به او داده شد (طبری، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ۵۶۲۷؛ فرای، ۱۳۶۳، ج ۴: ۸۲-۸۴).

زمانی که مأمون به عراق برگشت و در مرکز خلافت بغداد مستقر شد، طاهر عنوان امارت و صاحب شرطگی بغداد را داشت. دلایل مختلفی سبب شد تا مأمون، طاهر را به خراسان بفرستد. عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- شرایط خاص خراسان و حساسیت آن موجب می‌شد که مأمون شخصی که شخص مورد اعتماد و از خاندان اصیل محلی را بفرستد که طاهربن حسین بهترین آن‌ها بود. ۲- دوستی بین طاهر و احمدبن ابی‌خالد وزیر مأمون باعث شد تا وزیر ذکر شده مأمون را مجاب به این کار کند. ۳- مشکل شورش خوارج و تهدید آن‌ها، نیاز به شخص قدرتمندی چون طاهر داشت. ۴- طاهر برادرش امین را کشته بود، لذا سعی کرد طاهر را از چشم خود دور کند. در نتیجه در سال ۲۰۵ هـ ق طاهربن حسین به عنوان عامل خراسان به آنجا رفت.

امارت طاهربن حسین در خراسان چندان طول نکشید و مهم‌ترین دل‌مشغولی او خوارج بود. اقدامات طاهر در دفع خوارج، چندان موردنظر مأمون قرار نگرفت و حتی نامه تندی در این باب برای طاهر نوشت. طاهر نیز ناراحت شد و جواب مأمون را داد و همین زمینه سرکشی طاهر شد. تا جایی که طاهر نام خلیفه را از خطبه انداخت و به نام خود سکه زد. همزمانی این اقدام با مرگ طاهر، سبب شد که مرگش را به مأمون نسبت بدهند (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۵۰۳).

طاهربن حسین را از مردان برجسته تاریخ ایران و شخصی نیکوکردار و دادگر دانسته‌اند. او توجه خاصی به برزگران و آسایش خاطر آن‌ها داشت و کاریزهای بسیاری در خراسان به نام قنات طاهری احداث کرد (نفیسی، ۱۳۳۵: ۱۵۸؛ مفتخری و زمانی، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

پس از مرگ طاهر، پسرش طلحه با تأیید مأمون به فرمانروایی خراسان رسید. طلحه بن طاهر بین ۲۰۷-۲۱۳ هـ ق، حاکم خراسان بود. طلحه برای تحکیم موقعیت خود و جلب حمایت احمدبن ابی‌خالد وزیر مأمون، صدها هزار درهم به او و دییرش بخشید (یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۷۷؛ طبری، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ۵۷۰۸-۵۷۰۹). دوره امارتش، بیشتر در جنگ با خوارج به رهبری حمزه خارجی سپری شد. پس از مرگ طلحه در سال ۲۱۳ هـ ق، امارت خراسان به عبدالله بن طاهر رسید، که از سال ۲۱۳ تا